

ناملی آسیب‌شناختی بر کارکردهای دانشگاه در تدارک امنیت جامعه

حمیدرضا آراسته^۱؛ قدیر نصری^۲؛ حسن‌رضا زین‌آبادی^۳؛ علیرضا تنهایی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۲۵

چکیده

دانشگاه به‌مثابه مهم‌ترین نهاد خلق و توزیع دانش، می‌تواند نقش مهم و تاثیرگذاری در تدارک امنیت جامعه ایفاء نماید. پژوهش حاضر با هدف آسیب‌شناسی کارکردهای دانشگاه‌ها در تدارک امنیت جامعه با روش ترکیبی اکتشافی به رشته تحریر درآمده است. نتایج تحلیل محتوا و کد گذاری مصاحبه‌ها، ۸۶ نشانگر را شناسایی نمود. نشانگرها در غالب ۴ بُعد مدیریتی، آموزشی، پژوهشی و اجتماعی - فرهنگی طبقه‌بندی شدند. در بخش کمی، بر اساس ابعاد و نشانگرهای شناسایی شده، پرسشنامه آسیب‌شناسی کارکردهای دانشگاه‌ها در تدارک امنیت جامعه طراحی و در بین ۱۷۲ نفر توزیع گردید. نتایج پژوهش حاضر بیانگر این است که آسیب کارکردی دانشگاه در تدارک امنیت جامعه، مشتمل بر چهار بُعد حوزه مدیریتی: بهره‌گیری بهینه منابع، حوزه آموزش: انتقال و تعمیق آگاهی، حوزه پژوهش: درک منطقی امور و حوزه اجتماعی - فرهنگی: مسئولیت-پذیری آگاهانه است. مهم‌ترین آسیب احصاء شده در بعد مدیریتی، گسترش بی‌رویه کمی‌گرایی در توسعه دانشگاه‌ها بدون توجه کافی به کیفیت، در بعد آموزشی، جاری بودن فرهنگ جزوه‌خوانی و حافظه‌محوری به جای تعقل و نوآوری در بین دانشجویان، در بعد پژوهشی، ناهماهنگی بین مؤسسات تحقیقاتی و مراکز دانشگاهی با نیازهای جامعه و دستگاه‌های اجرایی و در بعد اجتماعی و فرهنگی، ضعف شدید فعالیت نهادهای صنفی و تشکلی در دانشگاه‌ها می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: امنیت جامعه، دانشگاه، کارکرد، آسیب.

۱- استاد گروه مدیریت آموزشی دانشکده مدیریت دانشگاه خوارزمی

۲- دانشیار اندیشه سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی

۳- دانشیار گروه مدیریت آموزشی دانشکده مدیریت دانشگاه خوارزمی

۴- دانشجوی دکتری مدیریت آموزش عالی دانشگاه خوارزمی و نویسنده مسئول (رابطه: atanhayee@yahoo.com)

مقدمه

امنیت جامعه‌ای دلالت بر وجود امنیت برای جامعه دارد و به معنای مصونیت و اطمینان خاطر افراد و گروه‌های اجتماعی، نسبت به سلامت و هویت خود در قبال اقدامات عمدی یا تحولات اجتناب‌ناپذیر (طبیعی) است. به عبارت جامع‌تر، امنیت جامعه به معنای تدارک رضایت و امنیت‌خاطر افراد و گروه‌های اجتماعی نسبت به سلامت و بقای جسمانی و روانی، احترام و منزلت هویتی، آزادی بیان و توانایی خودابرازی در چارچوب قانون و احساس رضایت و خوشبختی، آرامش و فقدان دلهره در زندگی است (نصری، ۱۳۹۱). بنابراین، امنیت جامعه دیگر حاصل قدرت دولت نیست، بلکه حاصل کلیه اجزای نظام اجتماعی است؛ گرچه دولت اکنون محل و مرجع امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است، اما اجتماع نیز در حد خود، مرجع امنیت جامعه به‌شمار می‌رود (روی^۱، ۱۹۹۳: ۳۱). امنیت جامعه‌ای اگر برخاسته از قوه قهریه باشد ناپایدار است، اما چنانچه مردم به مدد آموزش‌های درونی، مدارس، شبکه‌های تولید دانش و دانشگاه‌ها آن را پذیرفته باشند، در این صورت پایدار و ماندگار خواهد ماند (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۷۹: ۵۵). بنابراین امنیت جامعه چون مستلزم پایداری افراد به قانون، احترام به حقوق یکدیگر، برخورداری از احساس مسئولیت، تعلق و همبستگی است و دانشگاه به‌واسطه نقش مستقیم و غیرمستقیم در آموزش و پرورش افراد، می‌تواند احساس مسئولیت، تعلق و همبستگی، وحدت و همکاری را بپروراند یا بی‌تفاوتی، عدم تعلق، بیگانگی و حتی تعارض به‌بار آورد (قدیمی، ۱۳۸۳)، باید ریشه در تعلیم و تربیت داشته باشد تا مخالفت با آن معنایی نداشته باشد (ساروخانی و نویدنیا، ۱۳۸۵: ۸۸). از آنجا که دانشگاه، جایگزین بسیاری از نهادهای اجتماعی از جمله خانواده و دین شده و بسیاری از کارکردهای این نهادها عملاً به دانشگاه انتقال پیدا کرده و محصولات دانشگاه‌ها از یک‌سو در مدارس تدریس می‌کنند و اندیشه‌ها و ارزش‌هایی را که از دانشگاه فرا گرفته‌اند انتقال می‌دهند و از سوی دیگر، با ورود به ادارات، سازمان‌ها و بسیاری از نهادهای مدرن امروزی، این روند انتقال و گسترش را پی می‌گیرند و با توجه به مأموریت و رسالت‌شان در جهت کسب فرصت‌ها و تضمین منافع و ارزش‌های اجتماعی با تقویت پارامترهایی همانند تقویت حس مسئولیت‌پذیری، ایجاد نگرش‌های مثبت، رشد روحی و روانی افراد (هاونگی، ۱۳۹۴) «رضایت از زندگی»، «احساس عدالت»، «امید به آینده»، «احساس آزادی و مشارکت‌پذیری»، «اعتماد اجتماعی»، «هویت مذهبی و ملی» (معیدفر، ۱۳۹۵) «تربیت

سرمایه اجتماعی» به‌عنوان پایه و اساس پیوستگی پایدار همبستگی اجتماعی، کاهش ناهنجاری‌ها، ارتقاء نظم عمومی و حفظ هویت‌های اجتماعی (ربیعی، ۱۳۸۳)، می‌توانند نقشی کلیدی در امنیت جامعه ایفا کنند؛ ولی در عمل، دانشگاه‌ها با وجود اینکه به‌عنوان یک ابزار بسیار مهم می‌توانند از طریق ایفای مطلوب کارکردهایی همانند هنجارگذاری برای جامعه، مسئولیت‌پذیر ساختن افراد جامعه، ارتقای تعهد و شعور اجتماعی و افزایش اتحاد و همبستگی در جامعه، افزایش اعتماد به نفس و روحیه خودباوری و ایجاد زمینه برای مشارکت جمعی، نهادینه‌نمودن فرهنگ مطلوب (قاعده‌مندسازی، سازگاری با جامعه، الگوسازی رفتاری و ...)، هنجارمند کردن، اعتدال و به‌عبارتی شهروندپروری، یاور جامعه در ارتقای امنیت جامعه باشند، نتوانسته‌اند نقش و وظیفه مهم خود را در این خصوص به‌طور مطلوبی ایفاء نمایند. در حال حاضر، ضریب تأثیرگذاری دانشگاه در ارتقاء امنیت جامعه، نسبت به کشورهای اروپایی خیلی کمتر از حد انتظار است که این موضوع، محققین را بر آن داشته تا در این پژوهش حاضر به آسیب‌شناسی کارکردهای دانشگاه‌ها در ارتقاء امنیت جامعه‌ای جمهوری اسلامی ایران پردازند.

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی پژوهش امنیت جامعه‌ای

امنیت اجتماعی حد فاصل امنیت فردی و امنیت ملی است و به شرح و بررسی دغدغه‌های جامعه می‌پردازد. امنیت اجتماعی که در ادبیات فارسی به امنیت اجتماعی شده، جامعه‌ی، امنیت جامعه‌ای و امنیت جامعه‌گی ترجمه شده، برخلاف تامین اجتماعی، به مجموعه اضطراب‌ها و دغدغه‌هایی اشاره دارد که بقاء و بالندگی گروه‌ها را هدف قرار می‌دهد و مانع حیات و شکوفایی گروه می‌گردد. بنابراین امنیت اجتماعی نه محدود به گروه خاص و نه محدود به زمان خاصی می‌باشد، بلکه دربرگیرنده کل جامعه است. مرجع امنیت اجتماعی جامعه و موضوع آن نیز بقاء و بالندگی جامعه می‌باشد. ناامنی در جامعه هم بقاء و موجودیت جامعه و هم احساس رضایت و خوشبختی را در جامعه مخدوش می‌سازد. تهدیدات اجتماعی عموماً هزینه تکامل و رونق و ابزار جامعه را افزایش می‌دهند. رقابت‌محوری افراطی در تعاملات، قوم‌محوری هیجانی و تعصب‌آمیز، کلیشه‌های فکری، هجوم رسانه‌ای، یکسان‌سازی حوزه عمومی، عارضه و ضدارزش دیدن تفاوت، طرد اقلیت، بی‌اعتمادی به آینده شغلی، جنسیتی و گروهی، همگی مصادیقی از تهدیدات اجتماعی هستند که بقاء و احتمالاً شکوفایی گروه‌های اجتماعی را هدف می‌گیرند.

به عبارت دیگر، امنیت اجتماعی با تهدیدات نرم‌افزاری امنیت ملی، همانند رضایت اجتماعی شهروندان و گروه‌ها ارتباط دارد و این مؤلفه هنگامی عمق و تداوم می‌یابد که جامعه علاوه بر احساس درامان بودن و نداشتن اضطراب، سرزندگی و شادابی و خوشبختی هم داشته باشد. شایان ذکر است که امنیت اجتماعی در مناطق مختلف، مضمون متفاوتی دارد. در متون اولیه که در باب ریشه و پیوندهای امنیت اجتماعی آمده «هویت قومی» به عنوان اصلی‌ترین و در واقع یگانه موضوع و مضمون امنیت اجتماعی عنوان شده است. باری‌بوزان^۱ و الویور^۲ تهدیدات اجتماعی را اقداماتی معرفی کرده‌اند که ارزش‌ها، الگوهای سنتی، زبان، فرهنگ، آداب و به‌طور کلی «ما»یی یک گروه را نابود، دستکاری یا مهار می‌کند.

با بررسی مسائل گروه‌های اجتماعی در کشورهای مختلف، مشاهده می‌شود که همه مسائل و دشواری‌های پیش‌روی جامعه، ناشی از مسئله هویت نیست. با وجود اینکه مسئله هویت، در همه کشورها، ظرفیت کشمکش دارد، ولی اقلیت‌ها در کشورهای پیشرفته دنبال عدالت و در کشورهای جهان سوم در آرزوی امنیت‌اند؛ ثانیاً تعداد دشواری‌های جامعه جهان سوم به قدری زیاد است که نمی‌توان از بین آن‌ها فقط هویت را برگزید و بقیه را دور افکند. جامعه جهان سوم با انبوهی از ناامنی‌های اقتصادی (عدم اشتغال، فقر فزاینده و ...)، فقر فرهنگی (فقدان رقابت، مشارکت، مسئولیت‌پذیری و ...)، تبعیض سیاسی (طرد مخالفان حکومت و حکام، ویژه‌خواری حامیان و ...) و فجایع زیست‌محیطی مواجه است. از سوی دیگر، منشاء ناامنی اجتماعی یا عادی و طبیعی است همانند افزایش جمعیت، افزایش مهاجرت، دسترسی آسان، ارزان و گسترده به ابزارهای پیشرفته تهدید و تعقیب (ایترنت، ماهواره و ...) که امکان مقاومت جامعه را مقابل دولت افزایش می‌دهد و یا هوشمند و برنامه‌دار که هراس و اضطراب را بین طبقات مختلف جامعه رواج می‌دهد (نصری، ۱۳۹۱).

هر چند امنیت جامعه‌ای ربط وثیقی با امنیت ملی و امنیت فردی دارد، لیکن مرجع امنیت ملی، دولت (در مقابل جامعه) است و مرجع امنیت فردی (در مقابل جمعی)، افراد یا انسان‌ها هستند، اما مرجع یا موضوع امنیت جامعه‌ای، جامعه است که در قالب گروه متبلور می‌شود. گروه‌های اجتماعی مرجع امنیت جامعه‌ای هستند. این گروه‌ها هرگاه موجودیت، هویت و آزادی خود را در معرض مخاطره ببینند، منبع ناامنی می‌شوند. از این‌رو، امنیت جامعه‌ای به شناخت و سیاست‌گذاری

در خصوص آسیب‌هایی می‌پردازند که هستی و یا هویت گروه‌ها را هدف قرار می‌دهند (نصری، ۱۳۹۲: ۱۹).

با توجه به اینکه در امنیت جامعه‌ای، جامعه نقش اساسی در تولید امنیت دارد، دانشگاه، دانش و پژوهش‌ها از اهمیت و نقش بنیادین و روزافزونی برخوردارند. از دید یونسکو، دانشگاه می‌تواند مبنای جدی برای توانمندسازی ذهنی، مهارتی، شناختی، فنی و اجتماعی فراهم سازد. از رهگذر این دست توانمندسازی‌هاست که جامعه، قوی و توانمند می‌شود و با بهره‌گیری و تجهیز به علم و دانش نافع و کاربردی می‌تواند از پس بحران‌های ایجادکننده ناامنی برآید (یونسکو، ۲۰۰۵: ۱۴۰). در بخشی از بیانیه یونسکو در ارتباط با اهمیت آموزش عالی چنین آمده است: «بدون وجود آموزش عالی و نهادهای پژوهشی، هیچ کشوری نمی‌تواند به توسعه واقعی و پایدار دست یابد؛ به‌ویژه کشورهای کمتر توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته نمی‌توانند شکاف دانش با کشورهای توسعه‌یافته را پر کنند» (برنهایم و چائو، ۲۰۰۵: ۸).

دانش، دانشگاهیان و پژوهشگران به‌مثابه یکی از مهم‌ترین و شاید بتوان گفت، مهم‌ترین بنیان و مبنای اقتدار و امنیت جامعه، از اهمیت بسیار شگرف و فزاینده‌ای برخوردار شده‌اند؛ به‌طوری‌که برخی، آموزش عالی را به‌مثابه نقطه تلاقی سه قلمرو «فرهنگ، قدرت و دانش» تعبیر کرده‌اند (فکوهی، ۱۳۸۲: ۱۵۰)؛ زیرا این نهاد در بستر فرهنگ و جامعه عمل می‌کند و با عملکرد بهتر و تولید دانش، می‌تواند قدرت، اقتدار و امنیت را ایجاد کند. تافلر «دانایی و دانش» را به‌مثابه مهم‌ترین مبنای مهم قدرت تلقی می‌کند (تافلر، ۱۳۶۶: ۵۵۷). دانیل بل نیز بر این نظر است که در عصر پسا صنعتی، دانشگاه‌ها به نهادهای اصلی اقتدار و تصمیم‌گیری تبدیل شده‌اند و از اصطلاح «طبقه خدمت‌رسان» برای دانشگاهیان و متخصصان دانشگاهی یاد می‌کند (کیویستو، ۱۳۷۸: ۶۷).

دانشگاه‌ها با کارکردهای گوناگون هم‌چون: جامعه‌پذیری، تقویت انسجام و سرمایه اجتماعی، تقویت تعلق اجتماعی، تربیت نیروی انسانی متخصص و از این قبیل، می‌توانند به ایجاد و افزایش دارایی و سرمایه‌های عظیم فکری، فرهنگی، مادی و فناوریانه بپردازند (باقری و کریماف، ۱۳۹۲: ۲۵) که امنیت جامعه نیز خروجی بلافصل این دستاوردها خواهد بود.

مفهوم دانشگاه

کلمه دانشگاه (university) برگرفته از (univers) به معنای جهان و یا جمع میان دانشجو و معلم بوده است. دانشگاه جایی است که در آن انسان آزاد است، حقیقت را جستجو کند و آموزش دهد، برخلاف میل کسانی که می‌خواهند این آزادی را محدود کنند. دانشگاه جایی است که انسان

باید بتواند از طریق زندگی و تفکر اصیل خود را بیابد (یاسپرس، ۱۳۹۴: ۱۹). دانشگاه یکی از اصلی‌ترین و اثرگذارترین نهادهای اجتماعی در جهان مدرن است (آزاد ارمکی، ۱۳۹۷) که می‌تواند در پرداختن به چالش‌های جوامع در عصر نوین به‌عنوان یک بازیگر کلیدی نقش برجسته و مهمی ایفاء نماید (دی نوا و همکاران، ۲۰۱۸). دانشگاه مکانی است که در آن همواره حقیقت و میل به کشف و ساخت آن مطرح‌نظر است و همین میل است که می‌تواند هم بقاء جامعه و حکومت را تضمین کند و هم وحدت جامعه ذیل ایده حقیقت‌جویی را امکان‌پذیر سازد (ماحوزی، ۱۳۹۶). دانشگاه تداوم راهی است که نظام آموزشی و تربیتی جوامع کنونی در مسیر پرورش دانش‌آموختگانی آگاه و کاردان طی کرده تا آنان را مهیای پذیرفتن نقش‌ها و مسئولیت‌هایی سازد که امکان حفظ جامعه و توسعه حیات اجتماعی و سیاسی و سپهر ارزش‌ها و آرمان‌های معنابخش آن را فراهم کند (ام‌کینگ و همکاران، ۱۳۹۷). دانشگاه‌ها باید به نیازهای دانشجویان برای کسب شایستگی‌های ملی و جهانی اهتمام ورزند و آن‌ها را برای رقابت‌های حرفه‌ای آماده سازند (آراسته، ۱۳۸۷). دانشگاه به‌منزله یک نظام، در نظام‌های کلان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه محاط است که هم از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد و هم بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد (یمنی و ثمری، ۱۳۸۹: ۳). دانشگاه‌ها از طریق تحقیق و توسعه، تأثیر مهمی در رشد استعدادها و توسعه فناوری پیشرفته دارند (هان و ژانگ، ۲۰۱۷) و فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی آنان، تأثیر بسزایی بر بهره‌وری و رشد جوامع دارند (آراسته، ۱۳۸۴).

دانشگاه در رویکرد جامعه‌محور

دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به‌عنوان بالاترین مراکز اندیشه‌ورزی و تولید علم جامعه محسوب شده و با حضور و فعالیت متفکران، محققان، دانش‌پژوهان و دانشجویان در جامعه نقشی اساسی دارند (فرامرزی و باقری مجد، ۱۳۹۵). دانشگاه یکی از اصلی‌ترین و اثرگذارترین نهادهای اجتماعی در جهان مدرن است. دامنه اثرگذاری این نهاد به ساختار جامعه و نحوه استقرار آن به نظام نهادی و سازمانی برمی‌گردد. اگر جامعه دارای ساختار پهن دامنه با سابقه تاریخی به لحاظ علمی و دانشی باشد، این نهاد نقش‌آفرینی بیشتری در ساخت اذهان و ایجاد الگوهای جدید رفتاری و سازمان سیاسی و توسعه‌ای خواهد داشت. در صورتی که جامعه دارای ساختاری بسیط و ساده باشد، دانشگاه در آن نقش واحد با دامنه محدود خواهد داشت؛ در نتیجه، رابطه بین کارکرد و نقش‌های دانشگاه با ساختار نظام اجتماعی و سیاسی وجود دارد. دانشگاه برای تولید اعتدال از طریق تقویت اندیشه و علم و دانش فعالیت می‌کند و محل و مکانی برای فرایند اعتدالی و مدرن

شدن جامعه است. دانشگاه باید مهارت زندگی را بر اساس سطح توسعه‌یافتگی جامعه در محیط‌های متفاوت فراهم کند که نتیجه کار آن‌ها، منشاء تواناسازی افراد برای ورود به جامعه آتی است (آزاد ارمکی، ۱۳۹۷).

دانشگاه، به‌عنوان یک نهاد حیاتی جامعه مدرن، نقش‌محوری در توسعه ملی دارد. به میزانی که تقاضای اجتماعی برای پاسخ‌گویی مناسب‌تر دانشگاه افزایش می‌یابد، مدیریت آموزش عالی مستلزم «مدرن‌سازی» وسیع‌تر در امر سیاست‌گذاری و راهبری دانشگاه است (پناهی و غیاتی، ۱۳۹۶: ۱۱). اگر از تعبیر توماس اسپریگنز استفاده کنیم، باید بگوییم که دانشگاه‌ها، نخبگان و دانش‌آموختگان آموزش عالی به‌مثابه پزشکان اجتماعی، در قبال جامعه بیمار خود متعهدند که پس از کالبدشکافی و شناخت صحیح چالش‌ها و بحران‌ها، راهبردهای کاربردی ارائه دهند تا اختلال، پریشانی، ناامنی و نابهنجاری در جامعه حاصل نشود یا گسترش نیابد. نظام آموزشی در غرب به‌گونه‌ای طراحی شده که خود را موظف به انطباق‌پذیری با حقایق و واقعیت‌های جامعه بداند و بسترها و ملزومات لازم را برای رفع بحران‌ها و چالش‌ها و ایجاد توسعه فراهم کند (قدیمی، ۱۳۹۲: ۲۱). دانشگاهی که منطبق با ساخت و الزامات جامعه باشد، از توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه برخوردار خواهد بود و از سوی دیگر، اعتماد و همکاری سیستمی مردم و سایر خرده‌نظام‌ها را با خود همراه می‌سازد. چنین انسجام و اعتمادی به تحکیم همدلی، توسعه و اقتدار ملی و تأمین امنیت جامعه می‌انجامد (باقری و کریم‌اف، ۱۳۹۲: ۲۵).

کارکردهای دانشگاه

کارکردهای متنوع و متعددی در تاریخ علم و دانشگاه از سوی نظریه‌پردازان و کارشناسان مدیریت دانشگاهی ارائه شده است. برخی ماموریت دانشگاه را انتقال دانش تخصصی از نسلی به نسلی دیگر دانسته‌اند، گروهی تولید دانش را وظیفه اصلی و فصل‌میز دانشگاه دانسته‌اند. بعضی دیگر کارویژه دانشگاه را تربیت متخصصان و کارشناسان زبده در رشته‌های مختلف برای ارائه خدمات متنوع در سطح اجتماع می‌دانند که منجر به شکل‌گیری قشری از افراد تحصیل‌کرده و فرهیخته در مناصب مهم فنی و مدیریتی جامعه می‌شود. عده‌ای دیگر با نگاه جامعه‌شناختی، تحصیل دانشگاهی را راهی برای جامعه‌پذیری جوان و عبور از مرحله فردیت به حیات جمعی می‌شمارند (خرمشاد به نقل از ابرقویی، ۱۳۸۷).

بروباگر، کلارک و آلتباخ نیز همگی کارکردهای تکنیکی دانشگاه را آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی برشمرده‌اند، اما درباره چپستی و روح این آموزش و پژوهش کمتر سخن گفته‌اند، آنان از

کارکردهای دانشگاه تنها آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی را نام می‌برند. اما آموزش برای رسیدن به «کارکردهای هنجاری» است، یعنی آن هنجارهای آکادمیکی که در حقیقت دانشگاه را به بلوغ و کمال می‌رساند و آن را به دانشگاه تبدیل می‌کند. کار دانشگاه، خرید و فروش مدرک نیست، بلکه ایفای نقش در تحولات اجتماعی از طریق تربیت انسان مدرنی است که از موقعیت خود و افراد جامعه به لحاظ حقوقی و اجتماعی آگاهی داشته باشد. دانشگاه مکانی برای گفتگو، ایجاد تفاهم، اقناع و اجماع عمومی از طریق گفتمان‌سازی، آموزش شیوه تفکر، نقد انسان، نقد جامعه، نقد قدرت، نقد خود دانش، تقویت نهادهای واسط و نهادهای مدنی، تقویت توسعه پایدار و ترویج رفتار شهروندی است. هدف از تاسیس دانشگاه این کارکردهای هنجاری هستند، آموزش و پژوهش واسطه و کارکرد تکنیکی هستند (ذاکر صالحی، ۱۳۹۷: ۵۰) و دانشگاه از طریق همین کارکردهای هنجاری و افزایش جامعه‌پذیری (معیدفر، ۱۳۹۵) و تربیت افرادی مسئولیت‌پذیر، پاسخ‌گو، مشارکت‌پذیر و شهروندانی آگاه (کری، ۲۰۰۷) زمینه‌سازی ارتقای امنیت اجتماعی را فراهم نماید.

در مجموع، امروزه از نهاد آموزش عالی و دانشگاه انتظار می‌رود دانش‌آموختگان خود را به‌گونه‌ای تعلیم دهد که در دو ساحت اشتغال حرفه‌ای و الزامات زندگی شخصی و اجتماعی، انباشتی از بینش، دانش و مهارت‌های موثر و مقتضی نیازهای زیست‌جمعی را به‌دست آورند و آماده به‌اشتراک گذاشتن دانسته‌ها و توانمندی‌های خود برای تقویت پویایی و نشاط در فضای کنشگری در اجتماع شوند و بتوانند با کمک بکارگیری سطوح مناسب و موجه آموزش‌های علمی، حرفه‌ای و شهروندی، لوازم آمادگی ذهنی و روانی و قابلیت حرفه‌ای و اجتماعی دانش‌آموختگان را برای مشارکت فعالانه در فرآیندها و مناسبات عمل اجتماعی به‌گونه‌ای موثر و مسئولانه فراهم نمایند (ام‌کینگ و همکاران، ۲۰۱۷).

پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه پژوهش، بیانگر این است که، دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی به‌علت ایفای نقش مهم و اساسی در انسان‌سازی (ذوالفقارزاده و سعدآبادی، ۱۳۹۳) امروزه به‌عنوان عامل اساسی در پیشرفت علمی و توسعه اجتماعی کشور محسوب می‌شوند (سروگل پور، ۱۳۹۵) و سرمایه‌گذاری در آموزش عالی، منجر به توانایی و افزایش مهارت‌های دانشجویان به‌عنوان سرمایه ملی خواهد شد که در تدوین و شکل‌گیری امنیت ملی نمود پیدا می‌کند (پی‌سوره و سارمانلو،

۱۳۹۵)؛ بنابراین دانشگاه به جهت نقش ویژه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی خود، همواره از اهم امور و مبدأ همه تحولات جامعه و اصلاحات اجتماعی به شمار می‌رود (آقاپور و سوخته‌سرای، ۱۳۹۶)؛ ولی آسیب‌هایی همانند حاکم شدن سایه سنگین اقتصادی و دیدگاه پولی در آموزش عالی (فراستخواه و اصغرزاده، ۱۳۹۷)، خارج شدن دانشگاه از چرخه اصلی خود و جایگزین شدن سیاست‌ها و اهداف غیرواقعی در آن (آزاد ارمکی، ۱۳۹۷)، باعث شده مشارکت دانشگاه در ترویج فضیلت‌های شهروندی، صلح و رفاه و توسعه در پرتو آزاداندیشی و نقادی و نظارت عمومی (درک کی‌بوک و همکاران، ۱۳۹۷) تضعیف شده و دانشگاه نتواند به تقویت، تعمیق و توسعه ارزش‌های دموکراسی لیبرال هم در دانشگاه و هم در جامعه و بهبود اجتماع محلی و ارزش‌های شهروندی (نجاتی حسینی، ۱۳۹۶) و سازندگی و شکوفایی فرد دانشجوین و هدایت به سمت ارزش‌های دینی (زاهری، ۱۳۹۵) موفق عمل نماید و نتواند امکان حفظ جامعه و توسعه حیات اجتماعی و سیاسی و سپهر ارزش‌ها و آرمان‌های معنابخش (ام‌کینگ و همکاران، ۱۳۹۷) را فراهم نماید.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به روش «ترکیبی اکتشافی» انجام شده است. این روش زمانی به کار می‌رود که پدیده موردنظر قبلاً مورد مطالعه قرار نگرفته است و یا اینکه از زاویه جدیدی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد (مک‌میلان و شوماخر، ۲۰۰۱). در پژوهش حاضر، ابتدا از روش کیفی (نظریه داده‌بنیاد) و سپس روش کمی (توصیفی و پیمایشی) برای پاسخ به سؤالات پژوهش استفاده شده است. در بخش کیفی ۱۲ نفر از خبرگان مشارکت داشته‌اند. این خبرگان به روش نمونه‌گیری هدفمند از میان صاحب‌نظران و متخصصین حوزه آموزش عالی و امنیت اجتماعی در دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی، علامه، خوارزمی، تربیت مدرس، فارابی، اطلاعات، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، پژوهشکده قلم و دفتر بررسی‌های استراتژیک انتخاب شدند که اطلاعات ارزشمندی در ارتباط با کارکردهای دانشگاه‌ها در امنیت اجتماعی داشتند و در رابطه با متغیرهای پژوهش دارای تالیف (کتاب و مقاله) بودند.

در بخش کمی، جامعه آماری شامل اساتید دانشگاه‌های سطح تهران و دانشجویان مقطع دکتری رشته‌های مرتبط با علوم سیاسی، امنیت اجتماعی، جامعه‌شناسی و آموزش عالی در سطح شهر

تهران بودند که به علت نامعلوم بودن حجم و واریانس از فرمول کوکران بهره گرفته شد که حجم نمونه برابر ۱۷۰ نفر محاسبه شد.

همچنین در بخش کیفی پژوهش از مصاحبه «نیمه هدایت‌شده» استفاده شده است. از مشارکت‌کنندگان درباره تجارب و مشاهدات‌شان از کارکرد و نقش دانشگاه در امنیت اجتماعی، دلایل عدم ایفای کارکرد مطلوب، آسیب‌شناسی و موانع اثرگذار در کارکرد نامطلوب دانشگاه‌ها در امنیت اجتماعی سؤال می‌شد. سؤالات مورد استفاده در مصاحبه‌ها مشخص و پاسخ‌گویان در دادن پاسخ‌های خود به مصاحبه‌کننده از آزادی کامل برخوردار بودند. البته پژوهشگر در حین مصاحبه علاوه بر سؤالات کلی، سؤال‌های دیگری را نیز برای تشریح بیشتر هر سؤال مطرح می‌کرد. شایان‌ذکر است که انجام این مصاحبه‌ها تا رسیدن به حد اشباع (۱۲ خبره) ادامه یافت. اشباع داده یا اشباع نظری رویکردی است که در پژوهش‌های کیفی برای تعیین کفایت نمونه‌گیری مورد استفاده قرار می‌گیرد (زین‌آبادی و معصومی، ۱۳۹۵).

در تحلیل مصاحبه‌ها از رویکرد استقرایی استفاده شد، بدین ترتیب که بدون داشتن هیچ چارچوب مفهومی، مصاحبه‌ها به صورت باز و آزاد مورد تحلیل قرار می‌گرفت. داده‌های کیفی فراهم شده در دو مرحله شامل کدگذاری باز و محوری تحلیل شد. لازم به ذکر است که کد انتخابی عبارت «کارکرد دانشگاه در امنیت اجتماعی» می‌باشد.

تحلیل مصاحبه‌ها پس از انجام هر مصاحبه صورت گرفت. به این ترتیب که با کسب اجازه از هر مصاحبه‌شونده، صدای مکالمه ضبط و مکالمات ضبط‌شده پس از هر مصاحبه بر روی کاغذ پیاده می‌گردید. سپس ۱۲ فایل پیاده شده مجدداً به‌طور جداگانه با تأکید بر نکات مهم و موردنظر در آسیب‌شناسی کارکردهای دانشگاه‌ها در ارتقاء امنیت اجتماعی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار می‌گرفت. در این مرحله در حقیقت مجموعه‌ای از کدهای باز شناسایی شد که از منظر خبرگان مطرح شده بود که به‌طور طبیعی در بین برخی از کدها، هم‌پوشانی وجود داشت. با تحلیل چندباره و رفت‌وبرگشت‌های پی‌درپی، غربالگری کدها انجام شد، به نحوی که در پایان، مجموعه‌ای از کدهای باز شناسایی گردید که هر یک بر موضوعی خاص تأکید داشتند. شایان ذکر است که مصاحبه‌شوندگان، در خلال مصاحبه، هم به صورت مصداقی و عینی به آسیب‌شناسی کارکردهای دانشگاه‌ها در امنیت اجتماعی اشاره می‌کردند.

پس از شناسایی کدهای باز، مرحله خوشه‌بندی و طبقه‌بندی کدهای باز انجام شد. به این ترتیب که با بررسی چند باره کدهای باز و کنارهم‌گذاری کدهای مشابه که مطلب یا موضوع خاصی را

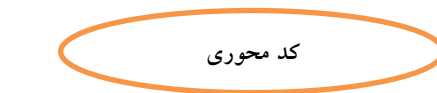
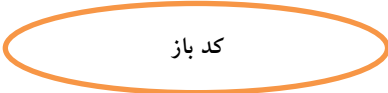
مورد اشاره قرار می‌دادند، طبقات اولیه از کدهای محوری شناسایی شد در این مرحله نیز با حساسیت بسیار طبقات شناسایی شده مورد ارزیابی قرا گرفت، به نحوی که تمامی کدهای باز مرتبط به هر کد انتخابی، ارتباط مفهومی مستقیمی با عنوان کد محوری داشتند. به عنوان مثال در کد محوری «آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی» برخی از صاحب‌نظران و متخصصین باتجربه به کدهای بازی همانند «تضعیف حیات دانشگاه در اثر ضعف فعالیت تشکل‌ها و انجمن‌های دانشجویی، ضعف شهروندپروری در جامعه، ایجاد جریان‌های فکری نوپدید در گفتمان‌های معنوی و دینی و ایجاد و توسعه روحیه رادیکالیسم در بین دانشجویان» و در بعد «آسیب‌های مدیریتی» به کدهای بازی به این شرح به طور مستقیم و غیرمستقیم اشاره می‌کردند: «طرح توسعه کمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و عدم توجه مکفی به کیفیت، بروکراتیک کردن دانشگاه‌ها به جای آکادمیک نمودن، ضعف ارتباط دانشگاه با صنعت و جامعه، وابستگی دانشگاه به دولت در منابع مالی، برتری ضرورت‌های مالی به ضرورت‌های علمی و فرهنگی در ساخت و توسعه دانشگاه‌ها و ...» اشاره کرده‌اند.

با بررسی این کدها و همچنین سایر کدهای بازی که از مصاحبه و تحلیل نظرات سایر خبرگان حاصل شد، با توجه به اولویت و فراوانی کدها، نهایتاً این کدهای باز در ذیل کدهای محوری «آسیب‌های مدیریتی، آموزشی، پژوهشی و اجتماعی - فرهنگی» قرار گرفتند جدول ذیل (جدول شماره ۱) نمونه دیگری از کدگذاری باز را بر اساس قسمتی از یک مصاحبه نشان می‌دهد.

جدول ۱ یک نمونه از کدگذاری بر اساس بخشی از یک مصاحبه

<p>نقل قول یک متخصص و صاحب نظر:</p> <p>در خصوص این فرضیه که دانشگاه‌ها در حیطه ایفای نقش خود در ارتقای امنیت اجتماعی فعال یا موفق نبوده‌اند، اعتقاد دارم که هر چه جلوتر می‌رویم و طرح توسعه دانشگاه را عملیاتی‌تر می‌کنیم. در ایفای این نقش ضعیف‌تر می‌شویم؛ یعنی ما یک خط صعودی داریم به سمت بالا برای توسعه کمی دانشگاه‌ها، ولی یک خط نزولی داریم در خصوص تاثیرگذاری کارکردهای دانشگاه‌ها در ارتقای امنیت اجتماعی، به عبارت دیگر، تاثیرگذاری دانشگاه‌ها در ارتقای امنیت اجتماعی در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ بیشتر از وضعیت کنونی بوده است.</p>

آسیب مدیریتی	طرح توسعه کمی دانشگاه بدون توجه لازم به کیفیت
--------------	---



پس از اینکه مصاحبه‌ها تحلیل شدند، با استفاده از نتایج تحلیل‌ها، پرسشنامه «آسیب‌شناسی کارکردهای دانشگاه‌ها» در ۴ بُعد و ۸۶ گویه و در مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت طراحی و برای اجرا در بخش کمی در بررسی روایی مصاحبه‌ها، از روایی محتوایی و برای بررسی روایی پرسشنامه نیز از روایی محتوایی استفاده شد و برای بررسی پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب پایایی به‌دست‌آمده در هر بعد، بیانگر آن است که پرسشنامه از اعتبار بالا و قابل‌قبولی برخوردار بوده است.

جدول ۲. ضریب آلفای کرونباخ سوال‌های پرسشنامه

ابعاد آسیب‌شناسی کارکردهای دانشگاه	تعداد گویه‌ها	مقادیر آلفای کرونباخ
آسیب‌های مدیریتی	۲۹	۰.۸۹۹
آسیب‌های آموزشی	۳۲	۰.۹۸۶
آسیب‌های پژوهشی	۹	۰.۹۷۶
آسیب‌های اجتماعی - فرهنگی	۶۱	۰.۸۹۷

در بخش کیفی برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوا و کدگذاری استفاده شده است. منظور از کدگذاری نیز اختصاص نزدیک‌ترین مفهوم به هر یک از کوچکترین اجزای با معنی داده‌های گردآوری شده است (کرسول، ۲۰۰۷). بر اساس الگوی کرسول (۲۰۰۷) در تحلیل مصاحبه‌ها از روش مقایسه‌ای مدام استفاده شد، به این ترتیب که پژوهشگر پس از رسیدن به مرحله اشباع در جریان مصاحبه‌ها، به پیاده‌سازی مصاحبه‌های ضبط شده پرداخت. پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، کدگذاری‌ها منجر به شناسایی مهم‌ترین ابعاد آسیب‌شناسی دانشگاه‌ها و نشانگرهای هر بعد گردید و در ادامه از روش‌های آماری استفاده شد، به این ترتیب که در بررسی پایایی پرسشنامه‌ها، از ضریب آلفای کرونباخ و در تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار اس.پی.اس.اس استفاده شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

میزان تاثیر آسیب‌های کارکردی دانشگاه در تدارک امنیت جامعه در جدول ذیل (جدول شماره ۳) ارائه می‌گردد:

جدول ۳. میانگین دیدگاه خبرگان در خصوص میزان تاثیر هر بعد از آسیب‌های کارکردی دانشگاه

ردیف	ابعاد	تعداد نشانگر	میانگین
۱	مدیریتی	۲۹	۴
۲	آموزشی	۳۲	۳.۸۱
۳	پژوهشی	۹	۴
۴	اجتماعی فرهنگی	۱۶	۴.۰۶

در ادامه، اطلاعات جمع‌آوری شده به وسیله پرسشنامه که بیانگر نقطه نظرات اعضای جامعه آماری در رابطه با میزان تاثیر شاخصه‌های هر بعد از آسیب‌های کارکردی دانشگاه بر تدارک امنیت جامعه می‌باشد با استفاده از آزمون فریدمن در نرم‌افزار اس.پی.اس.اس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که نتایج حاصله در جدول ذیل (جدول شماره ۴) ارائه می‌گردد:

جدول ۴. نتایج حاصل از آزمون فریدمن

بعد اجتماعی فرهنگی		بعد پژوهشی		بعد آموزشی		بعد مدیریتی	
میانگین	سوالات	میانگین	سوالات	میانگین	سوالات	میانگین	سوالات
۸.۴۷	Q71	۳.۰۹	Q62	۱۲.۵۳	Q30	۱۵.۸۷	Q1
۸.۲۶	Q72	۴.۴۶	Q63	۱۷.۹۲	Q31	۱۸.۷۳	Q2
۱۰.۶۷	Q73	۶.۰۷	Q64	۶.۶۳	Q32	۲۰.۶۷	Q3
۱۱.۷۸	Q74	۴.۴۵	Q65	۱۹.۶۴	Q33	۱۴.۶۵	Q4
۶.۶۴	Q75	۳.۹۹	Q66	۷.۱۰	Q34	۸.۵۱	Q5
۹.۸۹	Q76	۳.۷۶	Q67	۹.۲۹	Q35	۱۳.۵۴	Q6
۱۲.۸۰	Q77	۷.۶۳	Q68	۱۴.۲۴	Q36	۱۱.۰۳	Q7
۸.۵۷	Q78	۷.۱۰	Q69	۱۱.۰۳	Q37	۹.۹۸	Q8
۶.۴۰	Q79	۴.۴۶	Q70	۱۵.۸۰	Q38	۱۱.۸۸	Q9

بعد مدیریتی		بعد آموزشی		بعد پژوهشی		بعد اجتماعی فرهنگی	
سوالات	میانگین	سوالات	میانگین	سوالات	میانگین	سوالات	میانگین
Q10	۱۴.۱۴	Q39	۲۴.۶۵			Q80	۶.۳۶
Q11	۱۲.۷۴	Q40	۲۲.۶۲			Q81	۱۱.۸۷
Q12	۱۶.۹۷	Q41	۱۸.۳۷			Q82	۸.۴۲
Q13	۱۴.۱۸	Q42	۲۳.۹۷			Q83	۶.۳۸
Q14	۱۳.۰۰	Q43	۱۸.۳۲			Q84	۷.۴۳
Q15	۱۸.۵۳	Q44	۱۲.۰۸			Q85	۷.۲۷
Q16	۲۱.۱۱	Q45	۲۴.۲۳			Q86	۱۲.۸۵
Q17	۱۷.۰۴	Q46	۲۴.۵۵				
Q18	۱۵.۳۵	Q47	۱۹.۲۷				
Q19	۱۱.۷۵	Q48	۱۵.۶۲				
Q20	۱۷.۷۹	Q49	۱۲.۴۵				
Q21	۱۴.۵۵	Q50	۱۹.۶۸				
Q22	۱۴.۱۴	Q51	۲۰.۰۳				
Q23	۲۰.۸۰	Q52	۲۱.۰۱				
Q24	۱۰.۸۰	Q53	۱۹.۰۵				
Q25	۱۸.۶۳	Q54	۲۷.۷۳				
Q26	۱۳.۷۹	Q55	۱۹.۱۸				
Q27	۱۵.۵۶	Q56	۱۷.۹۴				
Q28	۱۵.۶۱	Q57	۸.۶۵				
Q29	۱۳.۶۴	Q58	۱۰.۹۷				
		Q59	۱۱.۹۶				
		Q60	۱۲.۰۳				
		Q61	۹.۴۸				

جدول ۵. نتایج حاصل از آزمون فریدمن در ابعاد چهارگانه

بعد اجتماعی - فرهنگی		بعد پژوهشی		بعد آموزشی		بعد مدیریتی	
تعداد	۱۹۲	تعداد	۱۹۲	تعداد	۱۹۲	تعداد	۱۹۲
خی دو	۶۴۳.۱۹۵	خی دو	۲۵۳۰.۹۴ ۹	خی دو	۶۰۶.۸۵۷	خی دو	۹۳۷.۴۳۷
درجه آزادی	۱۵	درجه آزادی	۳۱	درجه آزادی	۸	درجه آزادی	۲۸
سطح معنی‌داری	۰.۰۰۰	سطح معنی‌داری	۰.۰۰۰	سطح معنی‌داری	۰.۰۰۰	سطح معنی‌داری	۰.۰۰۰

داده‌های جدول آزمون فریدمن نشان می‌دهد که ارزش‌های دوی مشاهده شده [بعد مدیریتی (۹۳۷/۴۰۳) در درجه آزادی ۲۸] و [بعد آموزشی (۲۵۳۰/۹۴۹) در درجه آزادی ۳۱] و [بعد پژوهشی (۶۰۶/۸۵۷) در درجه آزادی ۸] و [بعد اجتماعی - فرهنگی (۶۴۳/۱۹۵) در درجه آزادی ۱۵] معنی‌دار است. در نتیجه بین میانگین‌های رتبه‌ای، تفاوت‌های معناداری وجود دارد؛ به طوری که:

- در بعد آسیب‌های مدیریتی، گسترش بی‌رویه کمی‌گرایی در دانشگاه‌ها در غیاب توجه مکفی به کیفیت با بالاترین ارزش میانگین رتبه‌ای (۲۱/۱۱) و تعارض و نارضایتی مدیران از تولیدات دانشگاه و شیوه کار دانشگاهیان با پایین‌ترین ارزش میانگین رتبه‌ای (۸/۵۱) قرار دارد.

- در بعد آسیب‌های آموزشی، جاری بودن فرهنگ جزوه‌خوانی و حافظه‌محوری به جای تعقل و نوآوری در بین دانشجویان با بالاترین ارزش میانگین رتبه‌ای (۲۷/۷۳) و محیط فیزیکی نامناسب کلاس درس با پایین‌ترین ارزش میانگین رتبه‌ای (۶/۶۳) قرار دارد.

- در بعد آسیب‌های پژوهشی، ناهماهنگی بین موسسات تحقیقاتی و مراکز دانشگاهی با نیازهای جامعه و دستگاه‌های اجرایی با بالاترین ارزش میانگین رتبه‌ای (۷/۶۳) و ضعف آزادی علمی و وجود قوانین محدودکننده در فرآیند آموزش و پژوهش با پایین‌ترین ارزش میانگین رتبه‌ای (۳/۰۹) قرار دارد.

- در بعد آسیب‌های اجتماعی - فرهنگی، عدم فعالیت تشکلی‌ها و صنف‌های دانشجویی با بالاترین ارزش میانگین رتبه‌ای (۱۲/۸۵) و پرورش ضعیف آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی افراد با پایین‌ترین ارزش میانگین رتبه‌ای (۶/۳۶) قرار دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

دانشگاه مکان کنار هم قرار گرفتن انسان‌هایی است با تجربه‌های عاطفی، عادت‌واره‌ها، سلاقی و امیال متفاوت که تفاوت‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، قومی و مذهبی، نمی‌تواند از ورود عموم به آن جلوگیری نماید و تبدیل به مهم‌ترین مکان تجلی مناسبات جامعه‌ی بر اساس قراردادهای انسانی و قوانین ازپیش تعیین شده گردد و نقش مهمی در تربیت جامعه‌ی و ارتقاء جامعه‌پذیری از طریق فراهم آوردن فضاهایی برای مشورت و اشتراک مساعی برعهده دارد و کسانی را تربیت می‌نماید که از هم‌خوانی لازم با نیازهای جامعه در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و از توانایی درک ارزش‌ها، باورها و هنجارها برخوردار باشند و بتوانند از طریق ترویج نظمی پایدار، نقش موثری در ارتقاء امنیت جامعه ایفاء نمایند. بنابراین دانشگاه به‌عنوان یک نهاد اجتماعی تاثیرگذار در امنیت جامعه است که می‌تواند با کالبدشکافی وضعیت کشور و شناسایی صحیح چالش‌های موجود در جامعه، راهبردهای لازم را در خصوص تدارک و ارتقاء امنیت جامعه ارائه نماید.

از این رو با توجه به اثرگذاری دانشگاه در تدارک و ارتقاء امنیت جامعه به‌وسیله کارکردهای مستقیم و غیرمستقیم، باید با نظر به نیاز جامعه درباره آنچه که ارائه می‌کنند، تامل کنند و از رویکرد عرضه‌محور به تقاضامحور تبدیل شوند؛ اگر دانشگاه‌ها بخواهند نقش رهبری مدنی در جامعه‌ای نیک را ایفاء نمایند، آسیب‌شناسی کارکردهای آنان از اهمیت بسیار زیادی برخوردار می‌باشد. هدف اصلی پژوهش حاضر، آسیب‌شناختی کارکردهای دانشگاه‌ها در تدارک امنیت جامعه در جمهوری اسلامی ایران است. بدین منظور بعد از مطالعه ادبیات تحقیق و مصاحبه با خبرگان و صاحب‌نظران حوزه پژوهش، آسیب‌های کارکردی دانشگاه در این زمینه احصاء گردید، در گام بعد، از اعتبارسنجی، اطلاعات جمع‌آوری شده در بین اعضای جامعه آماری به آزمون گذاشته شد که نتایج تجزیه‌وتحلیل اطلاعات بیانگر آن است که آسیب‌های کارکردی دانشگاه در تدارک امنیت جامعه را می‌توان در چهار بُعد مدیریتی، آموزشی، پژوهشی و اجتماعی - فرهنگی طبقه‌بندی نمود. در نگاهی تفصیلی مهم‌ترین نشانگرهای هر بُعد برحسب میزان تاثیرگذاری در کاهش کارکردهای دانشگاه‌ها در تدارک امنیت جامعه از منظر صاحب‌نظران و متخصصین حوزه پژوهش به شرح زیر بوده‌اند:

الف) هفت آسیب اساسی دانشگاه در تدارک امنیت جامعه در بعد مدیریتی عبارتند از:

- گسترش بی‌رویه کمی‌گرایی در توسعه دانشگاه‌ها در غیاب توجه مکفی به کیفیت.
- ضعف ارتباط دانشگاه، جامعه و صنعت.
- نظام نادرست ارتقاء استاد (تأکید بر فعالیت‌های کمی آموزشی و پژوهشی و نادیده گرفتن خدمات اجتماعی در فرآیند ارتقاء).
- برتری ضرورت‌های مالی به ضرورت‌های علمی و فرهنگی در ساخت و توسعه دانشگاه‌ها.
- استقلال ضعیف دانشگاه‌ها در فرآیندهای سازمانی، مالی، علمی و استخدامی.
- کم‌توجهی به سیاست‌گذاری‌های کاربردی و نیازهای واقعی جامعه.
- حاکم شدن فضای غیرمشارکتی در دانشگاه.

ب) شش آسیب اساسی دانشگاه در تدارک امنیت جامعه در بعد آموزشی عبارتند از:

- جاری بودن فرهنگ جزوه‌خوانی و حافظه‌محوری به‌جای تعقل و نوآوری در بین دانشجویان.
- گسستگی نسبی و فقدان تناسب لازم بین آموزش‌های دانشگاهی و نیازهای جامعه.
- ضعف اساتید (پایین بودن بار آموزشی، نداشتن طرح درس، نامناسب بودن شیوه تدریس و شیوه ارزیابی و ارزشیابی استادان).
- کیفیت پایین خروجی‌ها و دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها.
- تبدیل دانشگاه به صنعت مدرک‌سازی.
- رواج مدرک‌گرایی در جامعه.

ج) پنج آسیب اساسی دانشگاه در تدارک امنیت جامعه در بعد پژوهشی عبارتند از:

- ناهماهنگی بین مؤسسات تحقیقاتی و مراکز دانشگاهی با نیازهای جامعه و دستگاه‌های اجرایی.
- رویکرد ضعیف دانشگاه‌ها به پژوهش‌های بنیادین.
- نبود احترام به حق مالکیت معنوی، حق مالکیت فکر و ایده.
- فقدان نهاد تولید متون بومی در کشور.
- موازی‌کاری در فعالیت‌های پژوهشی دانشگاه‌ها.

د) شش آسیب بنیادی دانشگاه در تدارک امنیت جامعه در بعد اجتماعی و فرهنگی عبارتند از:

- ضعف شدید فعالیت نهادهای صنفی و تشکیلی در دانشگاه‌ها.
- ضعف در فرآیند جامعه‌پذیری و مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشجویان.
- ضعف توجه به شهروندپروری برای جامعه مدرن.
- وضعیت نامطلوب اشتغال دانش‌آموختگان (عدم اشتغال، اشتغال به مشاغل کاذب و ابهام نسبت به آینده شغلی).
- ضعف دانشگاه در نهادینه نمودن فرهنگ مطلوب در دانشگاه (قاعده‌مندسازی، سازگاری با جامعه، الگوسازی رفتاری و ...).
- ضعف در ارتقاء جامعه‌پذیری مذهبی دانشجویان (بینش، گرایش و رفتار).

استنتاج راهبردی و فراتحلیل آسیب‌های بیست و شش‌گانه

بر اساس استنتاج راهبردی، تمرکز روی چهار نکته زیر ضرورت دارد:

- ۱) مساله استراتژیک جامعه کنونی ایران عبارت است از بی‌قراری فزاینده، اضطراب نسبت به روندهای جاری و آتی و به طبع آن منفعت‌خواهی خصوصی.
- ۲) دلیل یا ریشه بنیادین بحران فوق عبارت‌است‌از: فرسایش کارکردی نهادهای نظم‌آفرین و مسئولیت‌باور مانند دانشگاه که به‌جای تضمین و تدارک قرار و امید به تعمیق و تثبیت بی‌قراری و تغییر و تشویق سوق یافته است.
- ۳) الگوی استراتژیک که حکم‌یافته این پژوهش را دارد. ترمیم کلان، حتی تاسیس موردی «دانشگاه جامعه‌محور» است که کارویژه آن، واریسی و ارائه نوعی از امنیت در جامعه باشد و دانشگاهیان، استوانه‌ها و ستون فقرات این تاسیسات هستند.
- ۴) راهکار و سازوکار عملی برای تحقق الگوی نظم جامعه بنیاد یا امنیت جامعه‌ای عبارتند از:
 - الف) دگرگونی در حوزه باور: سیاست زندگی به‌جای سیاست انباشت ثروت (این الگو، اکنون در کشور بوتان پیگیری و محقق شده است).
 - ب) دانشگاه ماموریت‌محور (بر حسب موضوعی، اقلیمی، تقویمی و اضطراری) به‌جای دانشگاه تعلیماتی صرف. بدین‌منظور به دانشگاه‌ها با تاسیس کارکردهای پویا به‌جای شعار کارآفرینی بر شناسایی معضلاتی مانند (مسئولیت‌گریزی، مهاجرت و ...) و ارائه پیشنهاد سیاستی به شورا.

ج) در کنار دگرگونی در حوزه باور و مأموریت‌محور ساختن دانشگاه‌ها، باید ضمن بازاندیشی و دگرگون‌سازی غالب سیاست‌های تحقیقاتی، انتشارتی و گردهمایی دانشگاهی، به تاسیس و تکریم رویه‌ها سخت و نرم‌افزاری زیر همت گماشت:

- بازنگری در اصل و کارکرد رشته‌های کنونی دانشگاهی.
- تخصیص نیمی از ظرفیت دانشگاه‌ها به هسته‌های روندشناسی و برآورد آسیب‌ها و ظرفیت‌ها.
- تبدیل امنیت جامعه بنیاد و "حقوق - مسئولیت شهروندی" به مساله اساسی دانشگاه.
- انتقال عملی یافته‌ها به جامعه از رهگذر سیاست اجتماعی به‌جای انتشار بی‌ثمر محصولات غیرقابل اجرا.

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- آراسته، حمیدرضا (۱۳۸۴). «آموزش و پرورش، تکامل آموزش عالی، تحولات تاریخی و مشکلات پیش‌روی کشورهای در حال توسعه»، فصلنامه رهیافت، شماره ۳۶، صفحات ۱۵ - ۴.
- آراسته، حمیدرضا (۱۳۸۷). «جهانی‌شدن و آموزش عالی در دنیای در حال تغییر»، فصلنامه رهیافت، شماره ۳۹، صفحات ۴۵ - ۳۹.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۶). دانشگاه و چالش‌های جامعه ایرانی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- ابرقویی، علی (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی؛ بایسته‌های نظری، تهران: دفتر برنامه‌ریزی مطالعات اجتماعی فرهنگی.
- ام کینگ، پاتریشا؛ جی‌مایه‌یو، ماتیو؛ مک‌الرو، مولی (۱۳۹۷). مسئولیت اخلاقی دانشگاه، ترجمه متین بحیرایی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پناهی، مریم؛ غیائی‌ندوشن، سعید (۱۳۹۶). «تحلیل پیامدها و چالش‌های استقلال دانشگاهی»، مجموعه چکیده مقالات همایش ملی استقلال دانشگاه؛ چالش‌ها و راهبردها، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- درک، کی بوک و همکاران (۱۳۹۶). «مسئولیت اجتماعی دانشگاه رسالت دانشگاه در جهان پیچیده امروز، ترجمه ارمین امیر، علی پاپلی‌یزدی و مریم عالم‌زاده، تهران: موسسه مطالعات اجتماعی فرهنگی.
- ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۳۹۷). مسائل آموزش عالی ایران، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ذوالفقاری، محمدمهدی؛ سعدآبادی، علی‌اصغر (۱۳۹۳). «بازتعریف کارکردهای اصلی دانشگاه در جامعه بر اساس آرمان‌های اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره)»، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال هفدهم، شماره ۶۵، صفحات ۲۹ - ۵.
- ربیعی، علی (۱۳۸۱). مطالعات امنیت ملی، تهران: وزارت امور خارجه.

- روی، پل (۱۳۸۲). «معمای امنیت اجتماعی»، فصلنامه پژوهشکده مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره سوم، صفحات ۷۰۸ - ۶۸۵.
- زاهری، روح‌الله؛ زاهری، زهرا (۱۳۹۵). نقش مدل‌ساز بودن دانشگاه‌ها در امنیت جامعه ایرانی اسلامی، تهران: نشر نی.
- زین‌آبادی، حسن‌رضا؛ محمودی، زینب (۱۳۹۵). «نقش مدیران در ایجاد و توسعه تسهیم دانش در مدیران ابتدایی»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال چهاردهم، شماره ۵۷، صفحات ۱۰۳ - ۸۵.
- سروگل‌پور، تقی (۱۳۹۵). «نقش نهادهای آموزشی (دانشگاه و مدارس) در ایجاد و گسترش امنیت اجتماعی»، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای روانشناسی و علوم تربیتی، شماره ۲، صفحات ۶۲ - ۵۴.
- سوره، فرشاد؛ پیری‌سارمانلو، اژدر (۱۳۹۵). «نقش آموزش عالی در شکل‌گیری راهبرد امنیت ملی»، همایش توسعه آموزش عالی و گفتمان امنیت، تهران: دانشگاه تهران.
- قدیمی، اسماعیل (۱۳۹۲). «آسیب‌شناسی آموزش عالی در ایران». فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۶۹، صفحات ۱۳۵ - ۱۲۱.
- قدیمی، اکرم (۱۳۸۳). دانشگاه و توسعه سیاسی و اجتماعی، دایره‌المعارف آموزش عالی، جلد اول، تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری - بنیاد دانشنامه نگاری.
- کرمی، مرتضی؛ فرح‌بخش، کیومرث (۱۳۹۴). «بررسی مؤلفه‌های اساسی مؤثر بر افزایش امنیت اجتماعی از دیدگاه نخبگان حوزه امنیت»، پژوهش‌های حفاظتی و امنیتی، شماره ۱۳، صفحات ۶۸ - ۴۹.
- ماحوزی، رضا (۱۳۹۶). دانشگاه تاملات نظری و تجربه ایرانی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- معیدفر، سعید (۱۳۹۵). «سخنرانی بررسی انتقادی ساختار و جایگاه اجتماعی دانشگاه در ایران»، تهران: انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- نجاتی‌حسینی، سیدمحمود (۱۳۹۶). شهروندی دانشگاهی در ایران، تهران: موسسه مطالعات اجتماعی فرهنگی.
- نصری، قدیر (۱۳۹۲). «امنیت جامعه‌ای به‌مثابه هسته حیاتی امنیت ملی پایدار»، فصلنامه امنیت‌پژوهی، سال دوازدهم، شماره ۴۳، صفحات ۹۱ -
- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۵). «تأملی نظری در امنیت اجتماعی؛ با تأکید بر گونه‌های امنیت»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۱، صفحات ۷۳ - ۵۳.

- یاسپرس، کارل (۱۳۹۴). ایده دانشگاه، ترجمه مهدی پارسا و مهرداد پارسا، چاپ اول، تهران: انتشارات ققنوس.
- یمینی دوزی سرخابی، محمد (۱۳۸۸). «دانشگاه سازگار شونده: یک فرایند پیچیده در رویکردها و چشم‌اندازهای نو در آموزش عالی»، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

(ب) منابع انگلیسی

- Di Nauta, P., Merola, B., Caputo, F., & Evangelista, F. (2018). Reflections on the role of university to face the challenges of knowledge society for the local economic development. *Journal of the Knowledge Economy*, 9(1), 180-198.
- Farasatkah, M., & Asgharzadeh, N. (2018). Problematic and Damaged Image of a University among Iranian Students: The Lived Experience of Iranian Students at Universities. *The Qualitative Report*, 23(10), 2276-2293.
- Habermas, J. (1961) *The Idea Of University: Process Of Learning New German Critique*, No.41, pp.3.
- Han, C., & Zhang, L. (2017). The influence of university agglomeration on the high-tech industry development and employment growth. In *Industrial Economics System and Industrial Security Engineering (IEIS'2017)*, 2017 4th International Conference on (pp. 1-7). IEEE.
- Kerrey, Bob. (2007). *Higher Education and National Security*. Forum for the Future of Higher Education, Cambridge, Mass.
- McMillan, J. H., & Schumacher, S. (2001). *Research in education: A conceptual introduction* (5th edition). New York: Adison Wesley Longman, Inc.
- Patarroyo, L. M. M., & Hoyos, C. U. (2018). The Role of University Extension Programmes in the Promotion of Pre-K Teachers' Personal and Professional Transformation: A Reflection. *Íkala*, 23(1), 161-176.
- UNESCO (2005). *Toward Knowledge Societies*. Paris: UNESCO Publication.